

مواضع اینفانتینو بار دیگر خسران شد

فیفای آمریکایی

جیانی اینفانتینو بار دیگر کاری کرد که نامش نه به‌عنوان رئیس فوتبال جهان، بلکه به‌عنوان بازیگری در معادلات سیاسی بر سر زبان‌ها بیفتد. رئیس فیفا که در ماه‌های اخیر به‌واسطه تصمیم جنجالی‌اش درباره اعطای جایزهای با عنوان «صلح» به رئیس‌جمهور ایالات متحده، زیر موجی از انتقادها قرار داشت، حالا صراحتاً از آن انتخاب دفاع کرده و آتش این جنجال را شعله‌ورتر ساخته است. اینفانتینو در گفت‌وگویی تازه با شبکه اسکای اسپورت، نتهن‌ها از تصمیم خود عقب‌نشینی نکرد، بلکه تأکید کرد ترامپ را شایسته دریافت چنین جایزه‌ای می‌داند. این موضع‌گیری در شرایطی مطرح می‌شود که ترامپ در افکار عمومی جهان، چهره‌ای به‌شدت جنگ‌طلب تلقی می‌شود؛ سیاستمداری که حمایت نظامی و سیاسی از رژیم اشغالگر در جنگ غزه، تهدیدهای آشکار علیه ایران، مواضع تهاجمی درباره گریبنلد، ربایش رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا و دیگر پرونده‌های در حاشیه‌بر آمریکای لاتین، تصویری جنگ‌طلب از او ساخته است.

با این حال، رئیس فیفا روایت متفاوتی ارائه می‌دهد. او مدعی است جامعه جهانی باید از هر تلاشی که به کاهش تنش‌ها منجر شود حمایت کند و به باور او، ترامپ در مسیر صلح گام‌هایی برداشته است. این نگاه، برای بسیاری از تحلیلگران فوتبال و سیاست، چیزی جز بازتعریف واقعیت به نفع یک سیاستمدار نیست؛ آن هم از سوی نهادهی که اساساً قرار است فوتبال را از سیاست دور نگه دارد.

ماجرا به همین جا ختم نشد. اینفانتینو در ادامه صحبت‌هایش، کشورهای اروپایی‌ای را که احتمال بایکوت جام‌جهانی به‌دلیل سیاست‌های تنش‌آفرین ترامپ را مطرح کرده‌اند، به باد انتقاد گرفت. او چنین رویکردی را عاملی برای گسترش نفرت توصیف کرد و هشدار داد استفاده ابزاری از فوتبال در تقابل‌های سیاسی، به تشدید شکاف‌ها منجر خواهد شد.

این موضع‌گیری‌ها باعث شده بسیاری از منتقدان بپرسند آیا رئیس فیفا واقعاً نگران صلح جهانی است یا بیشتر تلاش می‌کند مناسبات خود را با قدرتمندترین چهره سیاسی حامی جام‌جهانی آینده حفظ کند؟ جامی که میزبانی آن تا حد زیادی به ایالات متحده گره خورده و همین مساله، شائبه جانبداری اینفانتینو را تقویت کرده است.

در نگاه منتقدان، آنچه بیش از خود جایزه بحث‌برانگیز است، اصرار رئیس فیفا بر دفاع از تصمیمی است که مشروعیت آن از همان ابتدا زیر سؤال رفت. جایزهای که نه پیشینه روشنی دارد و نه معیارهای مشخص اما به طرزی معنادار به یکی از جنجالی‌ترین افراد جهان اهدا شده است. رفتار اینفانتینو بار دیگر این پرسش قدیمی را زنده کرده است: آیا فوتبال جهانی واقعاً مستقل است یا مدیریتش ترجیح می‌دهند در زمین قدرت بازی کنند؟ پرسشی که پاسخ آن، هر روز شفاف‌تر به نظر می‌رسد.

نکته

بازگشت سنگین یک کابوس قدیمی برای حسن یزدانی **نفره تلخ**

پس از ماه‌ها انتظار و دوری طولانی از میادین بین‌المللی، حسن یزدانی بار دیگر روی تشک ظاهر شد؛ حضوری که به‌خودی خود برای کشتی‌دوستان ایرانی اهمیت ویژه‌ای داشت. قهرمانی که با انبوهی از مدال‌های جهانی و المپیکی، حالا نه فقط برای نتیجه، بلکه برای سنجش یک تصمیم بزرگ به بازگرب آمده بود؛ تصمیمی به نام تغییر وزن. یزدانی بعد از ۱۹ ماه غیبت و پشت سر گذاشتن دومین جراحی کتف، این بار نه در وزن‌های آشنای گذشته، بلکه در ۹۷ کیلوگرم با به‌راقابیت گذشت؛ تجربه‌ای تازه که یادآور یکی از مهم‌ترین اینفانتهای دوران حرفه‌ای او بود؛ همان مسیری که سال‌ها پیش پس از المپیک ریو با صعود از ۷۴ به ۸۶ کیلوگرم طی کرده بود. این بار اما شرایط متفاوت بوده هم بدن، هم سن، هم فشار انتظارات.

مسیر رسیدن یزدانی به فینال مسابقات بین‌المللی کرواسی چندان پرسنگلاخ نبود. ۲ کشتی‌گیر از گرجستان و یک حریف مجارستانی، اگرچه بی‌انگیزه ظاهر نشدند اما برابر تجربه و کلاس فنی ستاره جووباری حرفی برای گفتن نداشتند. یزدانی تا دیدار نهایی، نشانی از لغزش بروز نداد و همه چیز طبق برنامه پیش رفت.

اما فینال، داستان دیگری داشت. رویه‌روی او استغان بوچانان از آمریکا ایستاد؛ کشتی‌گیری که روی کاغذ نه نام بزرگی بود و نه سابقه‌ای ترسناک داشت. با این حال، کشتی میدان پیش‌بینی‌نیست ۳ دقیقه نخست به‌سود یزدانی رقم خورد؛ حمله، فشار و برتری حداقلی ۲ بر یک، همه‌چیز شبیه یک فینال قابل کنترل پیش می‌رفت.

نیمه دوم اما ورق برگشت. افت بدنی یزدانی در کنار جسات ناگهانی حریف آمریکایی، مسابقه را از مسیر خارج کرد. فن امتیازی بوچانان، شوکی بود که تعادل کشتی را به‌رم زد. از آن لحظه به بعد، هر حمله یزدانی با ضدمحله‌ای سهمگین پاسخ داده می‌شد و فاصله امتیازات به‌سریعت افزایش یافت. یزدانی که برای جبران به آب و آتش می‌زد، از نظر نفس کم آورد. تابلوی امتیازات عددی را نشان می‌داد که کمتر کسی انتظارش را داشت: ۱۳ بر ۳. مسابقه پیش از پایان ۶ دقیقه تمام شد و داور دست حریف آمریکایی را بالا برده در حالی که یزدانی حتی رmqی برای برخاست نداشت. این شکست، بی‌شباهت به یک خاطره تلخ نبود. همان سناریویی که سال ۲۰۱۷ و پس از تغییر وزن، دیوید تیلور در جام‌جهانی کرمانشاه برای اولین‌بار مقابل یزدانی رقم زد. انگار تاریخ، این‌بار در قابلی دیگر تکرار شد؛ با وزنی بالاتر و بدنی خسته‌تر.

حسن یزدانی برای تثبیت خود در ۹۷ کیلوگرم، مسیر سادمای پیش رو ندارد. رقابت مستقیم با امیرعلی آذرپیرا، کشتی‌گیر جوان و آماده، چالشی است که فقط با تطبیق کامل با وزن جدید و بازسازی بدنی ممکن خواهد شد. وزن تازه، هنوز برای یزدانی خانه نشده؛ راه آشتی با آن، سخت و زمان‌بر است.

استقلال با بی دقتی عوض برد ساده و پرگل سراغ سخت‌ترین سناریو رفت

نجات در ۸+۹۰



کوبنده داد. انتخاب برای بازی آسیایی، ساده نخواهد بود.

■ **مدیریت، تیم نامتوازن و امید آسیایی**

استقلال با پنجره بسته و تیمی که توازن لازم را ندارند، به بالای جدول چنگ زده است. برخی خریدهای گرانقیمت هنوز کارایی لازم را نشان ندادند؛ و این همان نقطه‌ای است که ساینپنتو بارها به آن اشاره کرده؛ بی‌آنکه گوش شنوایی بیابد. با این حال، نتیجه فعلی یک واقعیت است: رده دوم جدول و روحیه‌ای که پیش از مصاف آسیایی حیاتی است.

ایسن پیروزی، آرامش نیاورد؛ فقط زمان خرید. زمان برای ساینپنتو، برای مدیریت، برای بازیکنانسی که باید ثابت کنند اشتباهات آخر بازی استثناست نه قاعده. استقلال از بحران عبور نکرد؛ فعلاً از آن فاصله گرفت. فاصله‌ای به اندازه یک گل در دقیقه ۹۸ و در فوتبال، گاهی همین فاصله کوتاه، سرنوشت یک فصل را تغییر می‌دهد.

■ **نازون و گل نجات**

وقتی همه چیز در آستانه از دست رفتن بود، نازون دوباره ظاهر شد. او پیش‌تر هم گل زده بود؛ گلی که با دخالت VAR مردود شد اما سرنوشت، ذخیره‌ای برای دقیقه ۹۰+۸ داشت. ضربه منیر حدادی به دهانه دروازه رسید و نازون، بی‌تردید کار را تمام کرد. این بار نه تشریفات، نه آمار؛ فقط بقا.

این نخستین گل لیگ برتری نازون بود؛ ولی نخستین گلی نبود که مهم می‌شد. او پیش‌تر هم برابر المحرق، در شبی که استقلال به پیروزی نیاز داشت، ضربه نهایی را زده بود. مهاجم هائیتیایی، متخصص شب‌های اضطراری است؛ نه پر گل اما به‌موقع.

با این گل، نازون فقط ساینپنتو را نجات نداد؛ خودش را هم از فشار بیرون کشید. مهاجمی که تا پیش از این زیر سایه سرخرخیزان و آزادی قرار داشت، حالا وارد رقابتی تازه شد. سرخرخیزان گل زربایش را زد و پیام داد؛ نازون پاسخ را دیر اما

پنالتی هومن ربیع‌زاده امید را به اردوی قزوینی‌ها برگرداند. هنوز نفس‌ها جا نیفتاده بود که دقیقه ۹۰+۸، سهیل فداکار ضربه دوم را زد؛ مسلوی مقابل تیمی که یک یار کمتر داشت. گل تساوی شمس‌آذر، حاصل زنجیره‌ای از تصمیم‌های غلط بود. از باختن یک دوتل ساده در میانه زمین تا دفع اشتباه توپ به سمت دروازه خودی اما نقطه اوج، صحنه‌ای بود که عارف غلامی و فرعباسی در آن مردد شدند؛ غلامی می‌توانست توپ را دفع کند و نکرد، دروازه‌بان می‌توانست زودتر خارج شود و تعلل کرد. چند ثانیه کافی بود تا ورزشگاه در سکوت فرو برود.

واکنش هواداران در فضای مجازی تند و بی‌رحم بود. از کسی که بازوبند را به بازو می‌بندد، انتظار دیگری می‌رود. این همان لحظه‌ای است که تجربه باید به کمک بیاید اما نیامد.

تلخ و شیرین استقلال مقابل شمس‌آذر

بازی مهیج

را به تساوی بدل کرد، هرچند بلافاصله با گل نازون روی یک کار گروهی زیبا پیروزی مجدداً به اردوی آبی‌پوشان آمد ولی تداوم چنین رویه‌ای در بازی‌های بعد می‌تواند یقه‌گیری سفتی از تیم پرسپولسان ساینپنتو نماید.

از نکات جالب این دیدار، گلزنی تومان گل‌نزن‌های استقلال بسود و جالب‌تر اینکه داکتر نازون ۲ لمس توپ ابتدایی خود را تبدیل به گل کرد، گرچه اول‌اش به حکم وار و به خاطر صحنه قبل آن یعنی خطای پنالتی روی فداکار، مهاجم شمس‌آذر، مردود اعلام شد.

استقلال با ارائه بازی روان و متفاوت توانست به یک پیروزی خانگی قبل از مصاف با نماینده اردن در لیگ قهرمانان آسیا دست یابد ولی سرگذشت شیرین، سپس تلخ و سرانجام شیرین آبی‌پوشان در این بازی نباید از دید و بررسی کادر فنی این تیم نهان بماند. ضمن اینکه روند نوبتی در نحوه نتیجه‌گیری استقلال، هنوز تردیدهایی را درباره ثبات این تیم باقی می‌گذارد؛ مگر آنکه خلافتش ثابت شود.

بود، چندین پاس عرضی او زمینه‌ساز خطراتی روی دروازه شمس‌آذری‌ها شد و گل سعید سرخرخیزان نیز روی چنین پاسی از سوی کوشکی شکل گرفت، چاشنی دقت در شوتزنی نیز چندین بار دروازه جعفرپور، سنگربان شمس‌آذر را با تهدید جدی مواجه کرد. بازی ترکیبی هدفمند درون ۱۸ قدم میهمان هم در ایجاد فرصت برای آبی‌پوشان نقش داشت (هرچند از مجموع این موارد فقط به ۲ گل رسیدند) و ارسال سانتر صحیح، جاگیری و تایمینگ درست برخلاف گذشته بود که گل پیروزی‌بخش استقلال در لحظات پایانی را موجب شد.

روای دیگر سسکه را ایرادات فردی و برخی ضعف‌ها در خط دفاع استقلال که شاید بی‌تاثیر از قطعی دانستن بردی شیرین هم نمی‌توانست باشد، باید دانست که با تلاش تیم ۱۰ نفره شمس‌آذر ترکیب شد و در عرض ۸ دقیقه پیروزی استقلالی‌ها



این تیم مدام آماج حملات آبی‌پوشان پاینخت قرار گیرد؛ حملاتی که دقت کافی در ضربات پایانی آن می‌توانست استقلالی‌ها را قبل از دقیقه ۴۵ به گل و در طول بازی به گل‌های بیشتری برساند. گرچه وحید ضایی، سرمربی جوان و موفق زردپوشان قزوینی، عقیده داشت عدم اخراج محمدی در دقیقه ۲۵ مانع شکست تیمش می‌شد ولی روند بازی قبل از ۱۰ نفره شدن حریف که برگرفته از نیاز میرم و عطش آبی‌پوشان بود، چندان ناظر سرمربی شمس‌آذر موافق نیست.

استقلال که در این دیدار چند تغییر نسبت به بازی‌های گذشته در ترکیبش داشته، در نوع بازی نیز متفاوت شده بود؛ تغییر صحیح در استفاده از ضربات کرنر بود که منجر به گل سیدابوالفضل جلالی در دقیقه ۴۵ شد، علیرضا کوشکی چون قبل، اصرار بر گلزنی خود نداشت و بیشتر به خدمت تیم درآمده

واکنشی بی‌برده گواردیولا به خشونت دولتی آمریکا

پپ علیه ترامپ

حرف‌های سرمربی سیتی، عبور آگاهانه از خط قرمز همیشگی‌اش بود. او سال‌ها در فضای فوتبال انگلیس ترجیح داده بود وارد بحث‌های سیاسی نشود اما حالا گفت دیدن این بی‌دالتی‌ها اجازه سکوت نمی‌دهد. به گفته او، جهان تغییر کرده است؛ امروز همه چیز دیده می‌شود، ثبت می‌شود و پنهان نمی‌ماند. همین دیدن، برایش رنج‌آور است.

گواردیولا تأکید کرد مساله به جناح، مرز یا پرچم ربط ندارد. اگر چنین رفتاری از هر طرفی سر بزند، وجدانش آزرده می‌شود. او از رنجی گفت که با دیدن مرگ انسان‌های بی‌گناه در دلش شکل می‌گیرد؛ رنجی

اتفاق در یک خطای اجرایی، بلکه نشانه مسیری خطرناک است که به باور او، جان انسان‌ها را قربانی می‌کند. گواردیولا با لحنی آمیخته به خشم و اندوه، تصویری تکان‌دهنده ترسیم کرد. گفت صحنه‌ای را تصور کنید که چند نفر دور یک انسان حلقه می‌زنند، او را به زمین می‌خوابانند و بارها شلیک می‌کنند. سپس پرسید اگر چنین صحنه‌ای در انگلیس رخ می‌داد، آیا کسی می‌توانست از آن دفاع کند؟ آیا دولتی پیدا می‌شد که چنین رفتاری را قابل توجیه بداند؟ پرسش او ساده بود اما پاسخ روشن؛ هیچ توجیهی وجود ندارد. نکته مهم در



در فوتبال، بعضی صداها فقط زمانی شنیده می‌شود که نتیجه‌ای در کار باشد اما بیرون از زمین، گاهی یک جمله کافی است تا همه چیز را به هم بریزد. پپ گواردیولا این‌بار در نقطه‌ای ایستاد که نه جدول معنا داشت، نه جام و نه رقابت. آنچه او را وادار به حرف زدن کرد، خبری بود که نمی‌شد از کنارش عبور کرد؛ ۲ نام، ۲ مرگ و روایتی که بوی خشونت می‌داد. سرمربی منچسترسیتی با واکنشی صریح، سیاست‌های دونالد ترامپ را هدف قرار داد و عملکرد ماموران پلیس مهاجرت و گمرک آمریکا را زیر سوال برد. او از کشته شدن رنه گود و الکس پرتی سخن گفت؛ ۲ شهروند که در جریان عملیات پلیس مهاجرت جان باختند. برای گواردیولا، این



اندونزی به فینال رسید؛ چیزی که کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد میزبان بتواند به آن دست پیدا کند. تیمی که تا همین چند سال قبل حضوری کماثر در فووتسال قاره داشت، حالا در جام

ملت‌های فووتسال آسیا ۲۰۲۶، به مهم‌ترین بازی تاریخ خود رسیده است. با این حال، درست در اوج این رؤیا، اندونزی باید برابر تیمی بایستد که بارها برایش خاطرات تلخ و شکست‌های سنگین خلق کرده؛ ایران.

راهیابی اندونزی به فینال، بزرگ‌ترین شگفتی این دوره از رقابت‌ها بود. تیمی که برای نخستین‌بار طعم حضور در بازی پایانی را می‌چشد، حالا در خانه و مقابل هواداران پرشمارش، به دنبال قهرمانی است اما سوی دیگر میدان، پرافتخارترین تیم فووتسال آسیا قرار دارد؛ تیمی که در تقابل‌های تاریخی، همواره دست بالا را داشته و اجازه نفس کشیدن به اندونزی نداده است.



تیمی است که بیشترین شکست‌ها را به اندونزی تحمیل کرده و این آمار، سنگینی این تقابل را بیش از پیش نشان می‌دهد. اما تلخ‌ترین و ماندگارترین خاطره اندونزی به جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۶ در ازبکستان بازمی‌گردد؛ شبی که

فووتسال این کشور یکی از تحقیرآمیزترین نتایج تاریخ خود را تجربه کرد. ایران در آن مسابقه با نتیجه باورنکردنی ۲۰ بر یک اندونزی را شکست داد؛ شکستی که هنوز هم به‌عنوان سنگین‌ترین باخت تاریخ فووتسال اندونزی ثبت شده و هر بار یادآوری آن، زخم قدیمی را تازه می‌کند.

کردن تیم‌های بزرگی مانند اسپانیا را دارد اما برابر ایران همیشه ناکام بوده است. آخرین مصاف ۲ تیم نیز در جام ملت‌های ۲۰۲۲ رقم خورد؛ دیداری که باز هم با برتری قاطع ایران به پایان رسید و تعدادی از ستاره‌های فعلی تیم ملی ایران در آن نقش‌آفرینی کردند.

فینال امروز، چیزی فراتر از یک بازی برای تعیین قهرمان است. برای اندونزی، فرصتی تاریخی برای شکستن طلسمی طولانی و پاک کردن خاطره شکست ۲۰ بر یک. برای ایران اما، ادامه یک سلطه قدیمی و اثبات این واقعیت که برخی رقابت‌ها، حتی با گذر زمان، هنوز هم داستانی یک‌طرفه دارند.

